

مرگ «محمدعلی شاه» پادشاه مستبد قاجار (۱۳۰۳ ش)

محمدعلی شاه قاجار در سال ۱۲۴۹ ش در تبریز به دنیا آمد و پس از فراگیری مقداری از تحصیلات، در ۱۷ سالگی اولین شغل دولتی را به او سپردند. او پس از روی کار آمدن مظفرالدین شاه، به ولیعهدی انتخاب شد و در این زمان علاوه بر ولایت آذربایجان، به هنگام سفر پدرش به فرنگ، متکفل امور مملکت بود. وی هر چند پس از آنکه پدرش فرمان مشروطه را قانون مشروطیت را امضا کرد، خود نیز آن را تأیید کرد ولی پس از به دست گرفتن قدرت از مخالفت با مشروطه‌طلبان درآمد و مشکلات فراوانی را برای مملکت به وجود آورد. عاقبت در تیرماه ۱۲۸۷ ش، مجلس شورای ملی را به توپ بست و از این زمان دوران استبداد صغیر آغاز شد. این عمل شاه قاجار با واکنش تند مشروطه‌خواهان در سراسر کشور مواجه شد تا اینکه آنان تهران را به تصرف خود در آورده و او را از سلطنت خلع کردند. از این رو وی به سفارت روس پناهنده شد و پس از چندین ایران را ترک کرد. محمدعلی میرزا پس از خروج از ایران، مدتی در روسیه، عثمانی و اروپا ساکن شد تا اینکه پس از سال‌ها دوری از وطن و سرگردانی، در ۱۶ فروردین سال ۱۳۰۳ ش، در ۵۴ سالگی در اروپا درگذشت.

شکل گیری ساواک پس از روی کار آمدن دولت اقبال (۱۳۳۵ ش)



سازمان اطلاعات و امنیت کشور معروف به ساواک، یک روز پس از انتخاب دکتر منوچهر اقبال به نخست‌وزیری، به دستور وی دست به کار شد. رئیس ساواک که از طرف شاه انتخاب می‌شد، به‌عنوان معاون نخست‌وزیر فعالیت می‌کرد و دارای اختیارات وسیع امنیتی و اطلاعاتی بود. ساواک ظاهراً از بدنه اصلی ارتش و پلیس جدا شد ولی بعدها به اندازه‌های وسعت پیدا کرد که کنترل ارتش و پلیس هم با آن بود. در تشکیل ساواک، آمریکا و رژیم صهیونیستی مداخله تام داشتند و بنابراین‌گذار آن در حقیقت دولت آمریکا بود و برنامه‌های آن با نظارت آمریکا انجام می‌شد. ساواک در طول فعالیت خود با شدت و خشونت به سرکوبی مخالفان می‌پرداخت تا جایی که تدریجاً این سازمان بر تمام وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مسلط شد و هر گونه استخدام و انتصابی باید با موافقت آنجا صورت می‌گرفت. ساواک در طی سال‌ها، معترضان به رژیم را به بدترین وجهی تحت شکنجه قرار می‌داد و از هیچ کس جز شاه، اطاعت نمی‌کرد. این سازمان مخوف سرانجام در اقدامی عوامفریبانه برای آرام کردن مردم توسط بختیار در روزهای پایانی عمر رژیم، منحل شد. همچنین پس از انقلاب، برخی رهبران اصلی آن از جمله ارتشبد نصیری، رئیس ساواک به حکم دادگاه انقلاب تیرباران شدند.

وقوع جنگ جَمَل بین امام علی(ع) و سپاه ناکثین (۳۶ ق)

مدت کوتاهی پس از به خلافت رسیدن امام علی(ع) و بیعت مردم با آن حضرت، طلحه و زبیر از یاران قدیمی پیامبر اسلام(ص) که در به دست آوردن سهمی از حکومت ناکام مانده بودند، بیعت خود را شکستند و به سوی مکه رهسپار شدند. آنان در مکه با عایشه همسر رسول خدا(ص) ملاقات کرده و با همدستی یکدیگر، مردم را به خونخواهی عثمان، علی‌امام علی(ع) فراخواندند. از آن طرف، چون امام از ماجرا آگاه شد، تجهیز قوا فرمود و درصدد دفع فتنه ناکثین برآمد. چون پیروان طلحه و زبیر شهر بصره را تصرف کرده و علیه امام شورش کردند، سپاه حضرت نیز در مقابل آنان قرار گرفت. امیرالمؤمنین قبل از آغاز جنگ به میان هر دو صف لشکر آمد و به نصیحت عایشه و طلحه و زبیر پرداخت و عایشه را به خاطر بیرون آمدن از حرم خرم و طلحه و زبیر را به دلیل شکستن بیعت ملامت فرمود. امام چون دید که صلح امکان‌پذیر نیست، با آنان اتمام حجت کرد و از آن پس، آتش جنگ شعله‌ور شد. سرانجام با کشته شدن طلحه و زبیر و ۱۶ هزار نفر از ناکثین و شهادت بیش از هزار یاور علی(ع)، این جنگ با پیروزی امام پایان پذیرفت. این جنگ به دلیل سوار بودن عایشه بر شتر، به جَمَل شهرت یافت.

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲



هستیم ولی با رابطه‌ای که منجر به سلطه نشود، هیچ کس مخالف نیست. برخی می‌گویند سلطه هم شد اشکالی ندارد چون نمی‌شود از سلطه فرار کرد و اینها خدایان این دوره هستند و باید تسلیم شد ولی ما معتقدیم هر جا سلطه است باید جهاد باشد. بنابراین کینه علیه غرب و غیرمسلمانان تا ترس روانی از هر کس که غیر خودی است، ترس روانی از ارتباط با دیگران، این وصله‌هایی است که به انقلاب نمی‌چسبد.

مقاله علم چه؟ علم در دست‌ان آنهاست و به هر حال باید سراسر آنها برویم که این علم را بدست بیاوریم. پس در نهایت وابستگی‌ای که می‌گویید نباید شکل بگیرد، شکل می‌گیرد!

اینگونه که می‌گویید نیست. وقتی رشد علمی ایران ۱۱ برابر متوسط رشد علمی جهانی است در آینده آنها باید به ما مراجعه کنند نه ما به آنها. پیشرفت درون‌زا یک پایه اصلی‌اش، اقتصاد دانش‌بنیان است. پیشرفت درون‌زا، مدیریت علم می‌طلبد و اینکه باید بین این تولید علم و تولید ثروت‌مان ارتباط برقرار شود تا منجر به پیشرفت درون‌زا شود. در روایت آمده است کسی که بدون آموزش و تخصص وارد کار اقتصاد شود، صدمه آن از سودش بیشتر است و باید بدانییم همچنان که ۲۰۰ سال آنها ما را محتاج به علم خودشان کردند ما نیز نباید به رایگان علم تولیدی‌مان را در اختیار دیگران قرار دهیم.

جریانی امروز در کشور معتقد است از راه ارتباط و تعامل می‌شود به پیشرفت رسید؛ آنها سیاست خارجی را راهگشای پیشرفت در انقلاب اسلامی می‌دانند اما می‌گویند آرمانگرایی‌هایی مثل استکبارستیزی را باید کنار گذاشت. آیا این رویه می‌تواند به پیشرفت درون‌زا کمک کند؟

برخی می‌گویند سیاست خارجی انقلابی و ایدئولوژیک مانع سرمایه‌گذاری خارجی و غربی و مانع پیشرفت می‌شود و ما را از قفلار توسعه سرمایه‌داری جدا می‌کند؛ سیاست خارجی ما تا چه زمانی می‌خواهد انقلابی و ضداستعماری باشد، کمی باید صحبت از هضم شدن در اردوگاه غرب، صحبت از دوست شدن با غرب کنیم و این حرف‌های انقلابی نمی‌خواهند. حرف‌های مربوط به استقلال را باید کنار گذاشت. حضرت امام خمینی پاسخ می‌دهند ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات همه مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش کنیم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. سیاست خارجی ما هدفش تنها توسعه نیست که بگوییم باید همه چیز را فدای توسعه کرد که با غرب سازش کنیم و بر سر فلسطین معامله کنیم و به غرب بگوییم ما دیگر شعاری نداریم ولی شما جلوی ما چیزی بیندازید. حضرت امام در پاسخ اینگونه اظهارات می‌فرمایند: خیرا! سیاست خارجی ما این نیست. امام(ره) صریح می‌گویند ما باید در ارتباط با مردم جهان نه فقط دولت‌های استعماری، رسیدگی مشکلات مسلمانان، حمایت از مبارزان، گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش کنیم، این هدف اصلی ما است که این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. سیاست خارجی بدون مبارزه و بدون دفاع از حقوق مستضعفان و محرومان جهان را حضرت امام قبول ندارند. این راه آنها برای توسعه‌یافتگی خوب است اما نسخه خوبی برای پیشرفت درون‌زا نیست؛ البته باید بگوییم توسعه‌یافتگی که همواره شما یا توسعه‌نیافته باشی یا در حال توسعه‌یافتگی؛ یعنی همواره جزو کشورهای درجه ۳ و ۲ باشی.

گفت‌وگویی کاملاً متفاوت با استاد حسن رحیم‌پور از غدی پیرامون مبادی معرفتی الگوی توسعه اسلامی

عدالت، معنویت و مقاومت نتیجه پیشرفت درون‌زا

■ امیرعلی جهاندار

«پیشرفت درون‌زا» راهکاری است که رهبر انقلاب برای پیشبرد انقلاب طی چند سال گذشته مکرراً آن را بیان فرموده‌اند. شناخت ابعاد و ساختارهای این نوع از پیشرفت در مقایسه با توسعه‌یافتگی درون‌زا ما را بر آن داشت تا سراغ استاد حسن رحیم‌پور از غدی برویم و از ایشان به عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته انقلاب در این باره پاسخ‌هایی را دریافت کنیم. متن زیر چکیده‌ای است از گفتارهای استاد رحیم‌پور پیرامون مدل «پیشرفت درون‌زا» که به صورت گفت‌وگو در آمده است.

نسبی‌اند و ملاک وحی و عقل ندارند، شما چطور اینها را توزیع می‌کنید.

ما در مدل‌های پیشرفت آنها دیدیم توزیع ثروت و قدرت و لذت را؛ آیا به همه سهم مساوی رسید؟ این همه از کرامت و برابری انسان‌ها گفتند ولی مراد چه و راست، مشترک بود. نسخه‌های متفاوتی نوشتند اما هدف آنها یکی بود، هدف، ایدئولوژی‌ای به نام «امانیسم» بود. ممکن است کسی بگوید اینها منحرف شدند از حرف‌هایشان یا این اتفاقات تصادفی بود، اینطور نیست، منبأ خراب است، تعریفی که از انسان دادید تعریف مادی است، وقتی تعریف مادی را مبنا قرار دادید ته آن فاجعه است، منبأی مادی نمی‌تواند کرامت انسان را توجیه کند، چون اگر عدالت را بگوییم بر حسب نگاه مادی می‌شود و پیشرفت هم همین طور. پس منبأی مشترک مادی نمی‌تواند شعار پیشرفت، عدالت و مقاومت و معنویت همراه هم را تحقق بخشد، مگر روی کاغذ شما همه چیز را

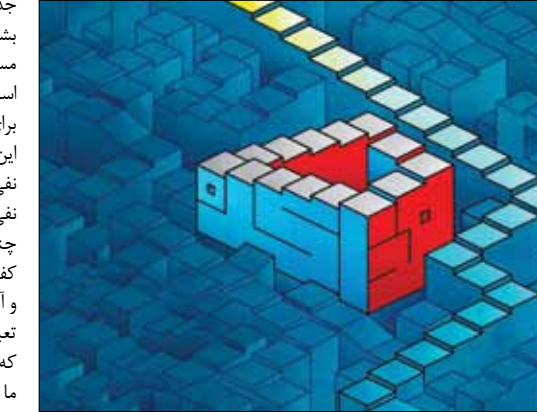


برگردانید روی انسان و آن برگشت به جسم و غریزه و نفس و لذت آن!

اینکه می‌گویم تمام نزاع‌ها برمی‌گردد به انسان‌شناسی، اینها تاثیر دارد بر تعریفی که از اقتصاد در پیشرفت ارائه می‌دهید، در علوم سیاسی از اقتدار تعریفی که ارائه می‌دهید، در حقوق تعریفی که از برابری می‌دهید، نتیجه آن چه می‌شود؟ نتیجه آن تفسیر مادی از پیشرفت می‌شود، می‌خواهد مارکسیست باشد یا کمونیست یا لیبرال؛ یعنی پیشرفت منبأی اخلاق، منبأی عدالت، توحید و... چرا؟ چون انسانی که تعریف کردی انسانی منبأی توحید و معاد و... است.

وقتی می‌گوییم اینجا عدالت مطرح است یعنی مثل توسعه‌یافتگی قرار نیست یک درصد جامعه ثروت‌مند و غنی باشند و ۹۹ درصد باقی‌مانده فقیر و فقیرتر شوند. اسلام طرف‌دار فقیر نیست، درست است فرموده اگر فقیر شدی تلاش هم کردی باز هم گرفتار فقری، صبر کن، یعنی مقاومت کن و قوی باش؛ تمام قومیت‌ها، افراد، طبقات و همه ملت‌ها بر مصلحت آنها را در نظر داشته باشد.

بعضی‌ها می‌گویند اسلام می‌گوید زهد و تقوا، اگر تراکم ثروت نباشد توسعه نمی‌شود، طبق فرموده



پیشرفت آن‌وقتی است که «درون‌زا» باشد، آن‌وقتی است که متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. وزن و اعتبار کشورها و دولت‌ها و ملت‌ها هم وابسته به همین درون‌زایی است. اگر چنانچه از درون، یک حرکتی، جهشی، رشدی به‌وجود آمد، به یک کشور، به یک ملت، وزن می‌دهد، اعتبار می‌دهد، ارزش می‌دهد، ایمنی می‌دهد اما اگر چنانچه از درون نبود، دیگران آمدند اعتبار به دست نمی‌آید. (رهبر حکیم انقلاب ۱۳۹۲/۷/۱۷)

■ سلام عرض می‌کنم خدمت شما؛ برای گام نخست سخن می‌خواهیم بدانیم چه تفاوتی است بین آنچه امروز به عنوان «پیشرفت درون‌زا» مطرح می‌شود با مدل‌های توسعه در کشورهای غربی؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. من هم سلام عرض می‌کنم خدمت شما. ببینید! برای آنکه این تفاوت توضیح داده شود ابتدای امر باید یک انسان‌شناسی مشخص داشته باشیم. تعریف شما از سعادت، شقاوت، انسان و جهان، زندگی، حق و تکلیف، خیر و شر... هر چه باشد، در تعریف شما از مقوله پیشرفت تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال برای تحلیل انقلاب در عرصه جامعه‌شناسی انقلاب و برای مفسران آن دیده می‌شود که نوع تئوری‌هایی که ارائه می‌شود بسته به نوع جهان‌بینی آن فیلسوف یا مفسر تغییر پیدا می‌کند.

■ توسعه و پیشرفت بیرون‌زا و درون‌زا علاوه بر این وابستگی و عدم وابستگی تفاوت دیگری نیز با یکدیگر دارند؟

یک تفاوت عمده بین پیشرفت درون‌زا و مدل‌های غربی توسعه، توجه به مقوله عدالت، مقاومت و معنویت است. شعار پیشرفت بدون معنویت شعار غالی در ۱۰۰ سال گذشته بود در زمان قاجار و تفکر حاکمیت و نخبگان روشنفکری دربار قاجار و بعد بر حکومت مسلط شد و در زمان پهلوی هم یک تفکرتوان حاکم همین بود که ما

پیشرفت می‌خواهیم و برای پیشرفت سخن از معنویت نباید گفت و نمی‌شود هم معنوی بود و هم اخلاقی و الهی و اخرویی؛ و هم در عین حال دنیای پیشرفته داشت و همینطور نمی‌شود از مقاومت در برابر استعمار و بلوک شرق و غرب گفت می‌کنند اما سوال اساسی این است که «گفت و » «مرگ بر آمریکا و سرمایه‌داری» و در عین حال پیشرفت کرد.

موضوع مقاومت در پیشرفت درون‌زا مطرح است. غربی‌ها در جهان ۲۰۰ سال تئوری‌سازی و گفت‌مان‌سازی کردند که شما نمی‌توانید و ما می‌توانیم و با مقاومت نمی‌شود پیشرفت کرد و تسلیم شوید و در واقع یک پیشرفت درجه ۳ و الگویبرداری‌های ناقص مقلدانه و میمون‌صفتانه را بپذیرید. شما منابع ثروت‌تان را در اختیار ما بگذارید، منابع و معادن زیرزمینی و استعدادهای ذهن‌ها و نسل‌هایمان در اختیار ما باشد. ما بازار کالاهای ما باشیم و همه چیز را در اختیار ما قرار دهید و مقاومت نکنید و آن وقت، به ما که نمی‌رسید؛ اما شما تا آخر عمرتان یا توسعه‌نیافته‌اید یا در حال توسعه‌ایید. هیچ وقت توسعه‌یافته

نیستید و دنبال این سراب بودید و همواره به لحاظ منافع و ارزش‌ها به دنبال ما باشید و مقاومت نکنید. اما پیشرفت درون‌زا می‌گوید باید در مقابل این گفت‌مان مقاومت کنیم.

تمام حساسیت آنها این است که ما بگوییم تسلیم شدیم و پیشرفت هم کردیم ولی ادعا نداریم، خیلی از کارها را شاید دیگر سختگیری نکنند، منتها باید به تمام دنیا بگوییم تسلیم شدیم و مقاومت را کنار گذاشتیم. حتی به آنها بگوییم پیشرفت را می‌خواهیم با عدالت یعنی حق همه محترم ولی آنها می‌گویند پیشرفت بدون عدالت، بدون مقاومت و بدون اخلاق و معنویت؛ این حرف بسیار مهمی است و دارد در دنیا اتفاق می‌افتد؛ گفتند همه تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به شرطی قابل قبول است که داخل موزه باشد و نتیجه‌ای که از آنها گرفتند این است که الگوها و استانداردهای ما باید الگو باشد. اگر دنبال پیشرفت و رستگاری هستیم باید ارزش‌های اسلامی، مذهبی و غرور تاریخی و انسانی خود را زیر پا گذارید و راه شبیه‌سازی به غرب‌گرایی را در پیش بگیرید.

تفاوت دیگر در حوزه عدالت است. متفکران جریان مقابل برای عدالت و برابری در قرن بیستم، ۲ مدل برای جهان معرفی و برای خودشان تقسیم کردند، هر دو هم شعارهای زیبایی بودند. چپ‌ها و کمونیست‌ها شعار برابری، غربی‌ها هم شعار آزادی و رفاه‌اند و با هم جنگ سیاسی کردند اما منبأ آنها یکی بود، این خیلی مهم است که هدف آنها یکی بود. وقتی اخلاق و عدالت همه صرفاً مفاهیم مادی و

پیشرفت درون‌زا که خط فقری حضرت امام و رهبر بزرگوار انقلاب است، به معنای انزوای جهانی نیست، ما با کسی دعوا نداریم و به توصیه قرآن با همه رابطه دوستانه داریم تا حدی که از موضع برابر باشد نه «رِبَاب - رعیتی»، تجارت جهانی را قبول داریم ولی نه اینکه در دل یک کمپانی صهیونیستی باشیم. پیشرفت درون‌زا توأم با استقلال و عزت است

می‌خواستند. می‌خواستند عدالت اقتصادی مساله اصلی ما نباشد بلکه پیشرفت زیر سایه آمریکا و غرب با حفظ مذهب و دموکراسی باشد ولی ساختار حفظ شود، بعضی‌ها می‌گفتند حتی مشروب‌فروشی‌ها و خانه‌های فحشا علنی باشد، عیب ندارد، آزادی باشد؛ هنوز اختلاط در فضاهایی مثل کنار دریا وجود داشت. یعنی زیر یوغ استعمار به پیشرفت برسیم که نتایجش در دوران قاجار و پهلوی دیده شد که نه‌تنها پیشرفت حاصل نشد بلکه وابستگی به‌وجود آمد. همین روزها این آمریکایی‌ها در رسانه‌ها چقدر تحقیر می‌کنند، با اشاره به قضیه سید کالا اعلام می‌کنند با پولی که از ما گرفتند ملت گرسنه ایران را سیر می‌کنند و اتفاقاً خوب است که عده‌ای که شعور ندارند بشناسند. می‌گویند تقصیر ماست که با آمریکا مشکل داریم؛ آنها می‌خواهند مشکل را حل کنند ما نمی‌گذاریم. پیشرفت درون‌زا که خط فقری نیست، حضرت امام و رهبر بزرگوار انقلاب است، به معنای انزوای جهانی نیست، ما با کسی دعوا نداریم و به توصیه قرآن با همه رابطه دوستانه داریم تا حدی که از موضع برابر